

# مشورت حاکم با علما ضروری است

در بخش های گذشته این مبحث محورهای اصلی مطلب را که حضرت علی (ع) برای مالک اشتر بعنوان حاکم نمونه اسلامی فرموده اند، بیان کردیم. بعد از محورهای اصلی آن که عبارت از «تقوی»، «عبودیت»، «مردم دوستی»، «دوری از خود محوری» بود، حضرت در تقسیم بندی کلی طبقات اجتماعی به دو طبقه اجتماعی عامه و خاصه پرداختند و ستون اصلی و رکن اساسی جامعه اسلامی را «عامه» و توده های مردم دانستند و پس از این تقسیم بندی به بیان یک نکته اساسی در مورد مقامات اصلی رژیم اسلامی پرداختند و آن اینکه از همکاران «اشتراک» و «استمرگانی» که در قیل از اسلام دارای قدرت بوده اند، نبوده باشند بایزوری تاکیدات مکرری که حضرت علی (ع) در قسمتهای مختلفی از عهد نامه در مورد «عامه»، «رعیت» و توده های پائین مردم می فرمودند، اکنون مطلب را ادامه می دهیم.

و هرگز «سنت صالح» و روش های نیکو و پسندیده ای را که بزرگان این امت به آن پایبند بوده و بدان عمل می کرده اند، مشکن، سنتهایی که موجب الفت بین مردم بوده و بواسطه آن کار مردم اصلاح می شده است، و هرگز سنتی تازه که باعث ضرر زدن به این سنتها می شود، ایجاد نمائید تا اینکه

املیسم و واژه های دیگری از همین نوع می دانند و اکثرا این مسئله را گسترش داده و به تمام مسائل اعتقادی، اجتماعی، هنری و غیره مربوط کرده و در یک کلام به هر آنچه که مربوط به گذشته است بدیده حقارت نگریسته و آنرا محکوم و مطرود می دانند و برای اثبات این ادعا دلایل علمی و شبه علمی بسیاری را هم می آورند و به همین دلیل هم اکثر مباحث نو و جدید

امیرالمومنین علی (ع) به مالک می فرماید که طبقه پائین اجتماع فقرا و مساکین هستند که باید برای آنها تلاش گردیده و به آنان کمک شود که نزد خداوند برای تمامی اقشار گشایش است.

متجددین و نوگرایان از محافل و مجالس روشنفکرانه خارج شده و به درون توده های مردم راه نمی یابند، زیرا که زبان و رفتار آنان جدا از زبان و رفتار توده های مردم است و در یک کلام، آنان دارای فرهنگی جدا از فرهنگ مردم می باشند زیرا بخش عظمی از فرهنگ مردم را همین آداب و سنن تشکیل می دهد و آنان هم که

امام علی (ع) از مالک می خواهد که تمام سنتها و آداب و رسوم گذشتگان را زیر پا نگذارد، و همه آنها را هم نپذیرد، بلکه سنتهای صالحه و پسندیده و وحدت آفرین که موجب اصلاح در کار مردم می شود، باید مورد توجه کامل حاکم اسلامی قرار گرفته و شکسته نشود

اجر برای پایه گذاران سنتهای پسندیده گذشته باشد و «وزر» و مسئولیت نقض آن برگردن تو.

یکی از مباحث بسیار پرسابقه و جنجال برانگیز در میان روشنفکران با مسئله سنتهای گذشته و آداب و رسوم آباد و اجدادی، می باشد که بسیاری از تازه روشنفکران براحتی تمامی آنها را زیر پا گذاشته و هر نوع پیروی از آنها و حتی محکوم نکردن آنها را، ارتجاع، کهنه گرانی، صفحه ۵۴

می باشد بلکه منظور همانست که امام علی (ع) می فرماید، امام علی (ع) سنت هائی را که دارای شرایط زیر باشد لازم الاجرا دانسته و مالک را از شکستن اینگونه سنتها بر حذر می دارد: ۱- سنتهای صالحه، سنتهای خوب و نیکو و پسندیده، سنتهایی که با اصول ارمانی در تضاد نبوده و به پیشبرد اهداف الهی کمک نمایند. ۲- سنتهایی که موجب الفت و وحدت بین مردم شده و بتواند مردم را تغذیه فرهنگی و روحی بنماید ۳- سنتهایی که موجب اصلاح در امور مردم و خدمت به مردم بشود، می بینیم که حضرت هر سنتی را لازم و واجب نمیداند بلکه سنت های پسندیده و وحدت بخش را که در خدمت مردم باشند و می بینیم که اسلام اینگونه سنتها را مانند زیارت کعبه که قبل از اسلام و در دوران جاهلیت وجود داشت (۱)، با اصلاح نمودن و معنی دادن و هدف دار نمودن، می پذیرد و آن را نقض نمیکند زیرا هم پسندیده است و هم وحدت آفرین و هم در خدمت مردم «قیاما للناس»، و در جریان انقلاب اسلامی ایران و بعد از پیروزی ۲۲ بهمن، ما ناظر تأثیرات شگفت انگیز سنتهای بزرگداشت شهیدان، جهلم ها، مجالس، سینه زنی ها، عاشوراها، تاسوعاها و... بودیم و در جریان جنگ هم! و همچنین در جریان رسوایی عوامل آمریکا در انقلاب دوم و سوء و این دیگر جای شکی برای اندیشمندان باقی نمیگذارد و تاکیدات امام امت در آغاز محرم امسال برای پرشکوه برگزار نمودن مراسم عزاداری و حفظ کردن این سنت ها بهمین جهات است زیرا که: «ومن يعظم شعائر الله فانها من تقوى القلوب» امام علی (ع) ادامه می دهد:

هم نشینی با علماء و دانشمندان و گفتگو با حکما را زیاد نما تا در تثبیت آنچه بنفع کشور توست، تو را یاری نمایند و همچنین در پایداری آنچه که مردم قبل از تو به آن پایدار بوده اند، و بدان که مردم قشرهای مختلفی هستند که صلاح یکی بدون دیگری ممکن نیست و هیچکدام از جهاد

مخالف همه اینها هستند، پس می بینیم که آنان به نتیجه طبیعی این گرایش خود می رسند و آن نتیجه طبیعی هم بریدن وجدانشدن از مردم و خزیدن در لاک خویشان یا لمیدن در آغوش دشمنان مردم، و دل سوزاندن بر سرنوشت مردم می باشد! البته این بدان معنی نیست که هر آنچه مربوط به گذشته است، خوب و قابل اجرا و لازم الاجرا می باشد، نه هرگز به این معنی نیست و انبیاء و امامان خود بهترین گواهان این مسئله بوده و خود بزرگترین سنت شکنان تاریخ

می‌رساند که بواسطه آن قدرت می‌یابند و تجهیز می‌شوند بر جهاد با دشمنان و همچنین این خراج و مالیات باعث رفع حاجت و نیاز آنها می‌شود. سپس این دو صنف و قشر دوامی ندارند مگر به اقتضای دیگر مردم همچون قضات و کارگران و کارکنان و نویسندگان که بوسیله این اقتضای در مسائل و مشکلات حکم روشنی صادر شده و اینان سود برای جامعه ایجاد کرده و در امور خصوصی و عمومی به آنان اعتماد می‌شود و تمامی این اقتضای دوام و پایداری ندارند مگر به پیشه و ران و صنعتگران که برای کشور جلب منافع نموده و مراکز داد و ستد بوجود می‌آورند و کارهایی را که دیگران نمیتوانند انجام دهند صنعتگران به انجام آن هست می‌گذارند و سپس طبقه پائین اجتماع، فقراء و مساکین هستند که باید برای آنان تلاش گردیده و به آنان کمک شود و نزد خداوند برای تمامی اینها گشایش است و هر کدام از این طبقات بقدر صلاحیت و لیاقت خود بر والی و حاکم



**حضرت پیش از تمامی اقتضای جامعه، مالک را امر می‌نماید که با اقتضای دانشمندان و حکماء هم نشینی و گفتگو نماید تا نفع کشور را یافته و در راه منافع مردم بکوشد و در حسن اجرای امور بیش از پیش موفق باشد.**

اسلامی حق دارند و والی نمیتواند تکالیف الهی خود را در قبال این اقتضای اجتماعی به انجام رساند مگر با همت گماردن و تلاش نمودن و یاری جستن از خداوند و آماده ساختن خویشتن بر اجرای حق و صبر برای حق در کارها چه آسان و چه دشوار باشند. امام علی (ع) طبقات اجتماعی را چگونه می‌نگرد؟ کدام طبقه را بر دیگری ترجیح می‌دهد؟ کدام طبقه باید قربانی طبقات دیگر گردد؟ حکومت دست چه طبقه‌ای باید باشد؟ آیا اصولاً در حکومتی که مورد نظر امام علی (ع) می‌باشد طبقات اجتماعی وجود دارد؟

بقیه در صفحه ۶۸  
صفحه ۵۵

نفع کشور را یافته و در راه تثبیت منافع مردم بکوشد تا مالک از راهنماییها و هم صحبتی با دانشمندان سود برده و در حسن اجرای امور، بیش از پیش موفق باشد. سپس امام علی (ع) به تقسیم اقتضای مختلف اجتماع پرداخته و طرز برخورد با آنان را بیان می‌نماید. ابتداء فهرست اقتضای اجتماعی را همانطور که ترجمه گردید بیان می‌فرماید سپس به توضیح یکایک این اقتضای می‌پردازد:

پس ارتش به اذن خداوند دژ محکم مردم و زینت حکمران و عزت دین و وسیله امنیت می‌باشد و مردم پایدار نیستند مگر به وجود آنان و آنان هم پایدار نخواهند بود مگر به آنچه خداوند برای آنها از خراج

دیگری بی‌نیاز نیست: از آنها لشکریان خدا هستند و بعضی نویسندگان عمومی و خصوصی، و برخی قاضیان عادل و عده‌ای کارگزاران انصاف و مدارا، و بعضی اهل جزیه و خراج هستند از اهل کتاب و مسلمین و عده‌ای کسبه و صنعتگران هستند و بعضی از آنها طبقه پائین از حاجتمندان و مساکین هستند و تمامی این اقتضای دارای سهم و حقوق خاص خود هستند که حدود آن در کتاب خدا و سنت پیامبرش (ص) بصورت پیمانی است که در نزد ما محفوظ است.

در آغاز حضرت پیش از تمامی اقتضای جامعه، مالک را امر می‌نماید که با علماء و دانشمندان و حکماء هم نشینی و گفتگو نماید تا

## مشورت حاکم...

این پرسشها و پرسشهایی از این نوع مسائلی هستند که در جامعه مطرح می‌باشند و چه دوست و چه دشمن چه رئیس و چه مرنوس همگی در برابر آن قرار دارند و هر کدام پاسخی برای آن دارند یا در جستجوی پاسخی برای آن می‌باشند و ما را آن توان علمی و صلاحیت معنوی نیست که در این مقوله وارد شده و آن را از جوانب مختلف مخصوصاً از نظر قرآن و سنت مورد بررسی قرار دهیم ولی برداشتی هر چند ناقص از آنچه از آغاز عهدنامه مالک اشتر تا کنون دنبال کرده ایم، بدست می‌آید که فقط جهت طرح مطلب عرضه می‌گردد و این بر صاحب نظران است که پاسخ کافی و وافی به این پرسشها بدهند، آنچه که از آغاز عهدنامه تا کنون در این مقوله به فکر قاصر ما می‌رسد عبارتست از اینکه:

در اولین تقسیم بندی اجتماعی که امام علی (ع) از مردم می‌نماید، آنها را به دو دسته «عامه» و «خاصه»، تقسیم می‌نماید و از مالک می‌خواهد که تمامی تلاش خود و نظر خود را صرف «عامه» و توده‌ها نماید و در این تقسیم بندی که در این بخش انجام شده بنظر می‌رسد که همان «عامه» باشند که به این تقسیمات منقسم می‌شوند، زیرا طبقات و اقشاری را که حضرت در این قسمت نام برده‌اند و در قسمتهای دیگر

انقلابی مخصوصاً در جبهه‌های جنگ بخوبی مشهود است. البته امام علی (ع) در پایان این بخش جمله‌ای می‌فرماید که در خود توجه بسیار است: «هر کدام از این طبقات بقدر صلاحیت و لیاقت خود بر والی و حاکم اسلامی حق دارند» یعنی با توجه به نقش تمامی این اقشار، اقتضای هستند که صلاحیت بیشتری در قبال نظام و ارزشهای اسلامی دارند و حاکم اسلامی هم مسئولیت بیشتری در قبال اینها دارد و در پایان این بخش امام علی (ع) مجدداً بیان می‌فرماید که حاکم اسلامی نمیتواند به مسئولیتهای خود جامه عمل بپوشاند مگر با همت گماردن و تلاش بسیار و یاری جستن از خدا و خودسازی جهت اجرای حق و صبر در کارهای مشکل و آسان، باشد که با دقت بسیار و مطالعه مجدد کلام مولا امیرالمؤمنین (ع) در شناختن بهتر اسلام موفق باشیم

(۱) البته لازم به تذکر است که زیارت کعبه جزء سنت جاهلیت نبود بلکه این عمل را پیامبران الهی همچون آدم (ع) و ابراهیم (ع) انجام میدادند و بعد تا زمان جاهلیت که آنها این عمل را مسخ کرده بودند و محتوای آنرا تغییر داده بودند که بعد رسول اکرم (ص) محتوای آنرا عوض نمود و در جهت درست آن انداخت.

مفصل‌تر توضیح می‌دهند، طبقاتی هستند که مالک می‌بایست به آنان توجه نموده و با آنان هماهنگی داشته باشد و در قبال همه آنها مسئول می‌باشد و اینها ویژه گیهای می‌باشد که حضرت در آغاز برای «عامه» شمرده است، پس تمامی این اقشار و طبقاتی که در این تقسیم بندی آمده‌اند از «عامه» و توده‌های مردم بوده و دارای تمامی صفاتی که در شماره‌های قبل برای آنها شمرديم می‌باشند یعنی بیشترین کمک را در سختی نموده و کمترین انتظار را در راحتی دارند یعنی بیشترین طرفداری را از حکومت اسلامی نموده و کمترین توجه و نظر را به دشمنان اسلام دارند. و این اقشار مختلف اجتماعی هستند که هیچکدام از اینها از دیگری بی‌نیاز نیستند و تماماً باید دست در دست یکدیگر بگذارند و جامعه را بسازند و اینها همان مردمی هستند که تکیه گاه اصلی امام خمینی در قبل و بعد از انقلاب می‌باشند، و برعکس تحلیل‌های غرب زده و شرق زده که طبقات خاصی را انقلابی و طبقاتی را تا اندازه‌ای انقلابی و طبقاتی را بکلی جدا از انقلاب می‌دانند، از نظر این بینش این اقشار گوناگون توده‌های مردم هستند که می‌توانند انقلاب کنند و می‌توانند دست در دست همدیگر انقلاب را حفظ کرده و به ثمر برسانند و ثمرات این بینش اکنون بطور عملی در ایران

## اگر مجلس ضرورت...

نگهبان نخورده و این مطلبی بود که من لازم میدانم آنرا با برادران خودمان در میان بگذارم و بنظر من بهترین توضیحی است که میشود در این رابطه داد و از منشاء و منبع اصلی خودش گرفته شد که قبلاً اگر این تفسیر را میکردیم ممکن بود برای بعضی‌ها قابل قبول نباشد حال آنکه الان خود گوینده مطلب خودش را تفسیر کرد و باید گفت سلام الاعلیه.

س - باز این سوال پیش می‌آید که آیا ممکن است قانونی در مجلس به تصویب برسد و تشخیص داده بشود و احیاناً شورای نگهبان آن قسمت فقها که مسئله انتخاب آن یا شرع را دارند پاسخ منفی بدهند اگر یک هم چنین چیزی امکان دارد مثال بفرمائید.

ج - موردیکه ممکن است باز قانونی در مجلس بگذرد در ارتباط با همین پاسخ امام و در شورای نگهبان رد بشود با توجه بیکدیگر دو نکته که در خود آن پاسخ امام ذکر شده معلوم میشود و لیکن ایشان فرمودند در صورتیکه اکثریت

مجلس تشخیص بدهد که این ضرورت دارد این یک قید و قید دیگر اینکه قانون بصورت موقت تصویب بشود که خود بخود وقتی که ضرورت از بین رفت لغو بشود یعنی یک قانون همیشگی نباشد در اینجا خیلی روشن میشود مسائل. اگر احیاناً قانون را کمیسیون‌های مجلس گذراندند چون لابد شما توجه دارید که قانونها فعلاً قسمت زیادیش از کمیسیون‌ها می‌گذرد که طبق اصل هشتماد و پنج قانون اساسی کمیسیونها حق دارند در یک مورد خاصی خودشان قانون بگذرانند یعنی مجلس بهشان اجازه داده که خودشان قانون را تصویب میکنند و دولت موقت برای مدت یکسال و دو سال. این قانونهاییکه در ارتباط با این نظر امام هست حتماً باید در خود مجلس تصویب بشود اگر احیاناً کمیسینی این قانون را فرستاد آمد آنجا رد میشود میگوئیم این تشخیص با اکثریت مجلس بود و اکثریت مجلس تشخیص شد اکثریت کمیسیون تشخیص بدهد آن یکی - مثال دیگر اینکه باز امام

همانطوریکه عرض کردم قید میکنند که قضیه بصورت موقت باشد یعنی مادامیکه ضرورت هست این قانون هست اگر در رابطه با همان مسائل اراضی بایر شهری که الان ضرورت مسکن وجود دارد که ما میگوئیم چون مردم از نظر مسکن در مضیقه هستند و در عسر و حرج هستند این عسر و حرج اقتضا میکند که اراضی بایر شهری را بگیرند اگر یک روزی دولت امکاناتش یک طوری شد که توانست مسکن باندازه کافی برای مردم تهیه بکند که دیگر این ضرورت عسر و حرج نبود اینجا اراضی شهری صد هکتار هم باشد چه اشکالی دارد بایر بماند پس قانون را باید طوری تصویب بکنند که برای همیشه نباشد که در آن زمان یکمرتبه اراضی شهری را بگیرند حالا اگر قانون را آنجا گذراندند که این مسئله درش رعایت نشده بود یعنی خود مسئله امام در آن رعایت نشده بود قهراً در شورای نگهبان قابل بازگشت است.

والسلام و علیکم و رحمة الله و برکاته